



مش و سخن

نویسنده : عبدالعزیز

ش

- * کبوتر پیر اهلی همیشه.
- * خر که گفتار را نبیند می گوید من عبدالکریمم.
- * گندم ز گندم روید جو ز جو.
- * دریا با دهان سگ پلید همیشه.
- * دریا به اب کشیدن خشک همیشه.
- * مگس باعث مرگ همیشه باعث استفراغ همیشه.
- * از خوک مویی کم شود بسیار است.
- * مادر بزرگ مرد تبش قطع شد.
- * هر سربالایی یک سرایشی دارد.
- * هر گلی بوی خودش را دارد.
- * کف زدن با دو دست همیشه.
- * دستی که می شکند به گردن اویزانش می کنند.
- * مال تو را می خوریم نوبت خوردن مال من به بازی خواهیم رفت.
- * اگر مرده ندیده ایم ولی مرده شور دیدیم.
- * جسم در وجودمان است ولی لباس از جسم فاصله می گیرد.
- * سال دشوار و قحطی است ولی تعارف وظیفه است.
- * جنگ کارد بدون غلاف همیشه راه رفتن بدون کفش ممکن نیست.
- * به بهانه بچه اما تو گلوی مادر.
- * بچه شترا اب می ریزند حیوانات بزرگ می افتند.
- * از پسر بد دختر بهتره و از دختر بی حیا عقیم بودن مادر بهتره.

- * نه زن ، زن است نه مرد مهمانواز ، نه بانکه محافظ اب.
- * راه راست اگه دور است برو اگه زن پاکدامن مسن است با او ازدواج کن.
- * هر که کار کند خودش را اباد می کند.
- * شتر بچه ای زایید هیچکه خبر نشد مرغ تخمی کرد تمام دنیا را پر از سر و صدا کرد.
- * خر شایسته خرمای خشکه.
- * مارمولک بزرگ مورد غضب خدا قرار گرفت که به دباغخانه رفت.
- * بز طعم نارگیل را نمی فهمه.
- * دزد در ته دل شک کرد و روسپی تب کرد.
- * کار را دست میکنه چشم می ترسه.
- * مفت کی گفت.
- * امید عروس شدنش نیست روسری سرخ می خواد.
- * زن بگیری حریص می شوی بچه داشته باشی دزد می شوی.
- * دیگ که جوش بزند لبه‌هایش می سوزد.
- * شتر باش دو را بنگر خر مباح سم را مبین.
- * پای عجله کننده به علفی هم گیر می کنه.
- * مرغ را رها کن که صندوقش گم شده.
- * شپش نرم بدجور نیش می زنه.
- * روغن که زیاده بر شکم خر نمال.
- * سر را به سنگ همیشه زد.
- * گاو و بز نداشته دوشیدن و شیرسازی نمی داند.
- * بینی با سجده و نماز نمی شکند.
- * گربه را محافظ روغن و پی نکن.
- * گاوهایت توی آسمان مشغولند.
- * بیچاره لبه‌هایش را با اب دهان خیس می کنه.
- * جایی که دل بخواهد کار خشت و گل نیز می کنه.
- * زخم تیر گم میشه زخم زبان گم نمیشه.
- * نانت توی روغن عسلت روی گزه.

- * گوسفندا نمیرید بهاری می آید.
- * کاسه ای اب بنوش سالی وفا کن.
- * پس از هر رفتی آمدنی است.
- * دیگ ایستاد و پایه هایش را طعنه زد.
- * محبت با دیدار افزایش می یابد.
- * هر سربالایی یک سرایشی دارد.
- * از دست او دانه ارزنی نمی ریزد.
- * دختر و زن بیوه مثل پل هستند.
- * خنجر طلایی را نمی زنند، به کمر می بندند.
- * خر برای بارکشی و داماد جهت کار.
- * بار شتر به غربالی سنگین تر همیشه.
- * دزد را نگرفتم دزد منرا گرفت.
- * زن با پیغامی ابستن نمی شود.
- * لیلا عروسی میکنه جارو خوشحالی میکنه.
- * بز در غم مردن، قصاب در غم گوشت.
- * کور از خدا چه می خواد ، دو چشم بینا.
- * به سگ مرده کسی لگد نمی زنند.
- * پوست ما را زنده مکنید.
- * چادر سیاه سفید همیشه.
- * شتر بارش را خود می برد از صاحب فقط سر و صدایی می خواهد.
- * هیچگاه دیگ شراکت نمی جوشد.
- * هر گلی بوی خود را دارد هر زنی خوی خود را دارد.
- * با یک پارو زدن بزحمت یک قایق را به جلو راندن.
- * به دانا نصیحت کردن بمانند در باران به گلها اب دادن.
- * بر قبر یک مرده اشک ریختن مانند در دریا نمک ریختن.
- * موعظه بر نادان مانند موعظه بر سنگ قبر مردگان.
- * تن را درمان کردن اسانتر از عقل را مداوا کردن.

- * جواب ابله‌هان دادن مانند خود در ایینه سخن گفتن.
- * کوتاه فکر زبان دراز است.
- * سوار الاغ نمی شد گفت زمین کجه.
- * از یادمان خاطره تلخ همانقدر بدمان می آید که از بوی زیر بغل.
- * چارپایان اگر زر و انعام نمی گیرند اما طعام آنان را بموقع دهید.
- * سخن از زبان برنجد ادم زادم.
- * روز در حسرت ماه شب در حسرت افتاب.
- * من هیچ ندانم که ندانید که بدانم.
- * تن را درمان کردن اسان تر از عقل مداوا کردن.
- * از ناقص خرد همانقدر بترس که از ستمگر.
- * من جسم فروشم لیکن خویشتن را به که فروشم.
- * ما که رفتیم از پی دیگران، حرفمان زیر کف پای دیگران.
- * الاغ زیر پایش را نگاه می کند شتر تا دوردست را نگاه می کند.
- * روزها زحمت و کار، شب ها شیون و همسر.
- * مگس مزاحم نیش نمی زند اما گاز می زند.
- * طوطی به کلاغ گفت چرا تو سیاهی؟ کلاغ گفت: چرا منقار تو کجه؟.
- * بادمجان را رنگ می کرد بجای موز می فروخت.
- * از بلبل خوشش نمی امد رفت کلاغ خرید.
- * از بس که زیرک بود گردن را با پنبه می برید.
- * سخن کودک شنیدن اسانتر از سخن شیخان باور کردن.
- * قاضی مفلس جیبش سوراخ نیست.
- * یکی چشم به آسمان یک چشم بدست دیگران.
- * با گفتن درد دل زخم را مرحم کن نه بر زخم.
- * من بخت ندارم چون در آسمان کوکب ندارم.
- * اگر شی با ارزش نداری اما ریش که داری.
- * خطیب لال و بی سواد چگونه مردمی را موعظه کند.
- * مستی و راستی، هوشیاری و آگاهی، دوروئی و پنهانی.

- * هیچگاه در خانه مردی که دو زن دارد اسایش و عافیت تحفه ای ندارد.
- * مراد عقل از سخن زبان پیدا است.
- * گرگ زگوسفند بترسد پهلوان زپهلوان.
- * از قمار بازان نه انصاف بخواهید نه صداقت .
- * از خواهر زن بترسید همانقدر که از مادر زن.
- * امروز بترسانید که فردا نترسید.
- * شفا بدنبال بیماری است نه بیماری بدنبال شفا.
- * انقدر از سایه اش ترسید تا اینکه دیو را در صحرا دید.
- * به ادم نابینا تنه نمی زنند.
- * سراغ قناری را از گربه جويا مباحش.
- * گربه در حسرت قناری در قفس و قناری در حسرت رهایی و آزادی.
- * یک قطره باران در اقیانوس گم می شود، یک قطره باران در کویر زیاد است.
- * ان خاشاکی را که دعوا به پا کرده بسوزان و خلاص شو.
- * از هرچه بدم امد سرم امد.
- * وقتی گوشت نیست چغند سالار است.
- * شلغم را بجای مرغ بریان پخت.
- * دست هنرمند اثر خلق کند، دست بی هنر افت.
- * پیش از مرگ مردن واویلاست.
- * روزها نان حلال می خورد شبها خواب خدا را می دید.
- * مار را گرسنگه نگه ندارد.
- * کسی که در گور است نه زمین می شناسد و نه زمان.
- * پول وزن ندارد بو ندارد صدا ندارد اما زحمت که دارد .
- * یادش رفت قرض را بدهد شکلک در می آورد.
- * دشمنی گربه با موش عزای تله ساز است.
- * اگر از الاغ افتادم خبرم کن.
- * درد زخم زبان بیشتر از درد دندان.
- * از حسنات و نیک و پسندیده ایرانی مهمان نوازی اوست.

- * مرغ طرب من رفته بود و بجای آن اجلم آمده بود.
- * مثل شاهین جسور باش اما مثل طوطی چرب زبان نباش.
- * از فرط بیکاری به گلهای عنبر و مشک می زد.
- * از حدت مال زیادی نمک در دریا می ریخت.
- * از آب و آتش بترس.
- * در کودکی بازی، در جوانی اعیاشی، در پیری سستی.
- * سر آدمی که زبان ندارد اما عقل دارد به باد نمی رود.
- * خواب گنج، خواب مرد فقیر است و خواب غارت خواب مرد ثروتمند است.
- * گرسنه بدنیا آمدیم و گرسنه از دنیا رفتیم. برهنه بدنیا آمدیم و برهنه از دنیا رفتیم.
- * ادم را گول می زنی اما ایینه را نمی توانی.
- * صیر ایوب داشته باش عمر نوح کن.
- * نه سگ را بزنی که گاز بگیرد و نه سگ را نوازش کن که تملق کند.
- * عقل نداری خودت در عذابی.
- * گدا از گدا بدش می یاد ثروتمند از هر دوتا.
- * چاه کن در قبر کنند هم ماهر است.
- * پول مفلس را نجات می دهد زندگی میت را حیات می دهد.
- * حلوای قی شیرین نیست.
- * زندگان بر زمین، مردگان زیر زمین.
- * مزه انتظار تلخ است اما سرآمد آن شیرین.
- * حتی یک دنده از اصفهانی غنیمت است.
- * سرش به سنگ نخورده سرش به خربزه خورده.
- * ادم پول را پیدا می کند نه پول ادم را.
- * از میان این همه پیامبر جرجیس را انتخاب کرد.
- * خیاط در کوزه افتاد.
- * تا لب جوی برویم و تشنه برگردیم.
- * لباس دیگران برای من لباس نمی شود.
- * لباس یک خیاط همیشه چروک است.

- * آتش را با آتش خاموش نکن.
- * هیچگاه خار خار پشت به چشمش فرو نمی رود.
- * هر کس را در گور خود می خوابانند.
- * دیگر بس است کیسه صبرم سنگین شده.
- * هر که زودتر شتایید بیشتر بجوئید.
- * در زمین بخیل نروید علف.
- * هر که دیر سرآمد، دست تهی باز آمد.
- * نه از دیوار همسایه برو بالا و نه بر دیوار همسایه شاش کن.
- * دزد یک گناه می کند صاحب مال صد گناه.
- * روغن داغ را ندید و دروغ گفت.
- * آتش را با آتش خاموش نکن.
- * کسی را دوست بدار که دوستدار تو باشد و کسی را دشمن بدار که به خونت تشنه باشد.
- * چنانکه بگویند ایرانی با روغن تعارف و پیشکش سبیل مهمان را چرب می کند.
- * آنکه حقیری کشید سروری بر کشید.
- * بار از جل خر در رودخانه افتاد مهم نیست. وای که جل و خر باهم در رودخانه افتند.
- * بچه افعی را پس از کشتن مادرش نگه ندار.
- * صیاد در پی شکار است لیکن پلنگ آمد صیاد خود شکار است.
- * مرد از روسپی سیر می شود اما روسپی از مرد سیر نمی شود.
- * از هر چه بدم آمد سرم آمد.
- * دوری و دوستی.
- * مرگ را به ذلت فروختن بهتر از ذلت به مرگ فریفتن.
- * نکو نام پس مرگ خواهد شد هر که اندر حیات او نانوش خورند.
- * شته خوار بهتر از میراث خوار.
- * باد آورده را باد می برد.
- * ابله اگر ابله تر است تو را همین عاقلی بس است.
- * به مرگ مفتخر شدن به از طعمه فخر شدن.
- * تشیع نعش بخشنده بهتر از جور پستنده.

- * یک پیراهن چرکی کریم بهتر از سخای مراد رزاز.
- * ادم گدا نه جمعه تعطیل است نه شنبه.
- * یک درخت سیب و ده قریه.
- * کلاه به سر دنبال کلاه می گرده.
- * آسیابان موهایش را در آسیاب سفید نکرده.
- * یک استخوان بی انداز و دو سگ را به جان هم بی انداز.
- * شکم گرسنه نه سنگ می شناسد نه پهن.
- * زرد الو را خورد و به هسته اش هم رحم نکرد.
- * برهنه بدنیا آمدیم و برهنه از دنیا برویم.
- * هنر واقعی مجهول است و هنرمند ناشناس.
- * هرچه ما می بینیم و تو می دانی و هر چه تو می بینی ما نمی دانیم.
- * ایمن نشین بازرگان که شتر اگر اهسته گام کند چون گرد بیابان طی کند.
- * دیوار را کج نساز که یا روی تو بی افتد و یا روی کسی دیگر.
- * به بازو نان خوردن به از پیش امیر، خم و دو لا بودن.
- * هر که خیانت کند دست در روغن داغ کند.
- * هر که دزدی کند و دستش نلرزد در قیامت شلوار خیس کند و پشتش بلرزد.
- * گاو گرسنه بوی گل را نمی داند.
- * زبان هم تاج بر سر می کند هم خاک بر سر می کند.
- * برای مادر بزرگ ها سیب سوغات نبرید.
- * به کوزه خودت سنگ پرتاب نکن.
- * شب در تمنای روز و روز در تمنای شب.
- * کودک بماند بادمیست شیرین عقل او به جثه بادامیست دیسین
- * روستایی چای شیرین را سر کشید قاشق به چشم اش فرو رفت.
- * روستایی با گرگ بزرگ شد شهری لای پر قو بزرگ شد.
- * شیر شتر خورده قدش بلند شده.
- * هر دویمان در یک کاسه استفراغ کردیم.
- * بخت که برگردد عروس در حجله نر گردد.

- * خر که می لنگد پایش درد می کند.
- * اگر دشمن را بازماند از قدرتی انوقت کمر همت ببندد بر حیلتی
- * برای انکه بتوانند منرا از دیگران تمیز دهند خرم را داغ کردند.
- * عقل گوشتی دیگر قلب گوشتی دیگر.
- * هرچه کنی به خود کنی گر به نیک و بد کنی.
- * خدا به شما عقل بدهد و به ما پول بدهد.
- * ما مهیمان هستیم و دنیا میزبان.
- * ان نابینا که دل او آگاه است چه نیازی به دو چشم.
- * گاو همسایه اگر صدا ندارد اما شیر که دارد.
- * از تهدید روباه تمام تخم مرغ ها را در یک سبد نگذار.
- * در آتش دوزخ افتادن بهتر از با مصلحت دیگران ازدواج کردن.
- * چشم و گوشتان را تیز کنید و با آنان عقلتان را فربه کنید.
- * نا اروغ مسکین شنیده می شود و نه نیکی پادشاه دیده می شود.
- * مادرزن از قیه کشیدن مادر شوهر بدش می آید.
- * چوپانی اگر عار است پس چرا حضرت موسی شبان بود.
- * گرگ را با بی رحمی و روباه را با دورغ بیازما.
- * دوستی را از خاک من از خاک تو خستی ساز که شود خانه من خانه تو
- * خاستگاه انسان بر زمین است نه زیر زمین.
- * وقتی گنج داری لال باش، وقتی در افلاس هستی زبان باز کن.
- * ستم نکن بنی ادم بر بنده نقوبت که عقوبت مور کند تو را زیر پای پیل عاقبت.
- * غرش شیر از دور هم خوف است.
- * اسب را با پای شل توان رقابت نیست.
- * نقل از تالس: ضامن دیگران شوی ضرر و زیان را بر گردن گیری
- * نه مرغ را به روباه قرض بده و نه گوسفند را به گرگ بسپار.
- * دیگران کشتند و ما خوردیم، ما می کاریم که دیگران بخورند.
- * فرزند کفتار و شغال همان لاشخوری و مردار خواری.
- * جل خر تن کردن به از پوستین خلق پوشیدن.

- * کلوخ زن را دام در ته چاه بزن.
- * برای ناتوان و معذور فقط خواب است که محال نیست.
- * در زمان جنگ از دشمن تخم مرغ تحفه نگیرید.
- * اول خویش بعد درویش.
- * در در نبرد زندگی برترین قدرت عقل است.
- * آتش را در بیابان افروز کن نه در جنگل.
- * هر که عاشق شد دیوانه شد.
- * ان زمان که تو نمی دانستی و من می دانستم تو در کمر پدر بودی بعد رفتی به شکم مادر.
- * اگر در نامیدی بسی امید بود حال و روز ما این نبود.
- * مرگ خودم دست خودم.
- * کاغذ سند و قواله را بز می خورد اما قول را چگونه.
- * جانم به قربانت طبیعت شد که شفای جسم و جانم شد.
- * اول آنچه را می پرستی بشناس بعد بر آن سجده کن.
- * نیست میزبان پارسی اسانگیر چنانکه بگویند ایرانی میزبانی بی نظیر.
- * گاو که می دود از میخ طویله می جهد.
- * هر کس در اقلیم خود دلیر است.
- * فقط در شب به چراغ نیاز است.
- * مانند کوه باش نه مانند درخت که طوفان و سیل و آید و تو مانند تخت
- * با استخوان سگ را فریب مده که روباه خوشحال شود.
- * در هنگام مرگ فقط انسان باید بمیرد نه امید.
- * قبله و سجده دوم مادر است.
- * از گاو نر شیر می دوشید.
- * عقل که معذور است زندگی نیز معتبر نیست.
- * نعل خر بیای اسب نمی رود.
- * اگر زبان در عجز و مغلوب حریف است فقط یک قلم و یک کاغذ بس است
- * به نزدیک بر که ای که زیر ان تمساحی در کمین است نزدیک نشو.
- * با سیاست نان خوردن به از زور و مشقت جان به کف دادن.

- * بیچاره درویش صوفی مریدش را خورد.
- * تو نه مانند افتابی نه مانند ماه جایگاه لایق را مقنی ته چاه
- * کسب روزی حلال کرد آنکه زرع کشت و آن خورد.
- * انقدر روی عقلش نمک ریخت که زندگی اش شور شد.
- * قیافه او به اندازه میت بود، ظاهر او به شبهه میت بود، لیکن او خود میت بود.
- * چشم چپش اگر کور بود اما گوشش که سالم بود.
- * روضه خوان و نوحه خوان را مزد مده کاو مانند گذشته و اکنون ابروی نیاکان برده
- * خوشا بحال شاعر که تنها غم او در قافیه اوست.
- * سنگ بی جان هم تیز کند هم کند کند.
- * بلبل اگر کوچک قد است اما نغمه او هزار بار خوش است.
- * از خان و کدخدا مترس که او بنده زاده ای بیش نیست.
- * زعقل بر اید همتی و کاری از کاهلی بماند ملولی و خواری.
- * از کوهان شتر افتاد سوار استر شد.
- * عمر عزیز را نه با گنج و نه با دوست صرف کنید.
- * دو پای سالم بهتر از دو دندان خراب.
- * پادشاه بر عرش گدا بر فرش.
- * دروغ را شاشید و قسم را قی کرد.
- * مرغ را ندزد که دو خروس به جان هم بی افتند.
- * نشاید عمر رفته باز آید که انگه حیات بر میت باز آید.
- * از حاجی انبار دار سخاوت مخواهید از روباه اخلاص توقع مدارید.
- * خدا چه بنده خلق کن که هنرمند اثر خلق کند.
- * از آنچه که بر سرم امد دانستم و نترسیدم دریغ از آنچه ندارد ندامت بر من هیچ نفعتم.
- * قربانی گفتار بودن بهتر از خود گفتار بودن.
- * نامه عشق را با کبوتر بفرست نه با کلاغ.
- * اسب طاعت به تازیانه حاجت نیست ان انسان عاقل و بی نیاز بی چماق زیست.
- * شکم را سیر کن اما عقل را گرسنه نگه ندار.
- * تاریکی از تاریکی نمی رنجد.
- * نان دیگران را سنگ نکن.

- * بر آن چه که داری کن قناعتی که کفران را نیست فزون بر نعمتی.
- * برای آن چاقو تیز کرده.
- * زورش به پدر نرسید بچه اش را زد.
- * طناب از همانجا که باریکتر است پاره می شود.
- * خورشید روز کار است مهتاب شب مفارقت.
- * نیش زنبور بحق است چون زحمت عسل او زیاد است.
- * نیش زنبور را نباشد کینه و دشمنی تلخ زحمت از او باشد و ما را عسل شیرینی.
- * در اندیشه دیروز مباش زیرا که نه طلوع او فرا می رسد نه غروب او.
- * برای مصیبت کسی راضی نشوید تا او هم برای مرگ شما راضی نشود.
- * گرگ یوسف را نخورد آن حسد بود که یوسف را بلعید.
- * از مردم نترس اما از مردم نما بترس.
- * از آتش ها بسی آتش شعله بر خواهد کشید.
- * خواب گنج، خواب مرد فقیر است و خواب غارت خواب مرد ازمند و ثروتمند است.
- * در مجلس وعظ گوش پندار زیاد باشد نه سخن کردار.
- * آن نباتی که در گلو گیر کند و خفه کند در آب سهل حل کن و بنوش.
- * کم بخور، کم بخواب، کم حرف بزن.
- * سخندانی را بر فواید خاموشی چیره نکن تا سخن نگفته اند دهان ملامت باز نکن.
- * معدوم کردن ازادی اسان است اما از نو ساختن آن بس مشکل.
- * وقتی عقل می دادند تو کجا بودی.
- * گنج رنج همان گنجی که عرق مشقت از سر جاری گنج بی رنج همان گنجی که نشسته بر آن ماری.
- * نخستین انسان بر زمین میمون بود واپسین انسان که بر جا بماند دیوانه بود.
- * عاقلان را در سخنان بیازماید جاهلان را در اعمال و دیوانگان را در اطوار.
- * بترس از آن قدرت که عقل فرمان دهد.
- * ادم نابینا دنبال چشم بینا است نه صورت زیبا.

فارسی را کنیم زاپاس

پارسی را بداریم پاس

سخن

- * قیاس دو قدرت پرواز و زیبایی در مگس و طاووس بینید
- * عسل شیرین است اگر زنبور نیش نزد پول هم شیرین است اگر مضرى نباشد.
- * یک فرمانده همیشه سرباز شجاع را اول صف می گذارد.
- * نه زیاد یواش حرف بزن که صدایت را نشنوند و نه زیاد جیغ بزن که دیگران کر شوند.
- * بعد از پدر و مادر باید به دایگان و قابله سپاس گفت که من و شمارا بدنیا آوردند.
- * اگر بر سر راهتان دیدید گردنبنده زنی افتاده بود انرا بر ندارید.
- * تخم کینه و نفاق بکارید تا ایندگان پس از ما از میوه های سمی و کشنده ان بخورند و بمیرند .
- * امروز بپرسیم تا فردا بی پاسخ نمائیم.
- * در قیاس کبر و غرور از گرانی کبر پلید بپرهیزید.
- * هیچکس بر روی فرش اقلیمی که پادشاهش مردم را معذب کند نمی خوابد.
- * نصیحت معرفت مخلصان و درویشان را گوش کنید اما سخنان خطیبان و بدبختان را نه.
- * نیرنگ دغلان را نخورید اواز چنگ و رقص دختران را گوش نکنید نصیحت مفلسان و ثروتمندان را گوش نکنید.
- * از شهوت مرنج زیرا حکمت انباز در طبیعت چیست. حکمت پنج گنج در انسان چیست.
- * نظرت همانقدر نیک است که بر عقیده خویش نزد خود محترم می دانی.
- * نظرات را بر یکدیگر تحمیل نکنید، نظرات را با یکدیگر معاوضه کنید.
- * قصه و رشادت فرماندهان را بشنوید اما دروغان سیاحان و واعظان لودگی را نه.
- * اگر در چاه غفلت افتادید از اینکه رسن پوسیده کمک دوست جاهل خود را بگیرید و از ان دوباره بی افتید همان بهتر که در ته همان چاه امن بمانید.

* زندگی شما مثل رودخانه ای است که از دل زمین جاری می شود و سرانجام پس از طی و گذاری پر فراز و نشیب بیکجا خشک می شود. بگذارید دیگران که تشنه اند از آب رودخانه شما سیراب شوند.

* سگ به سبب دوستی و نزدیکی به انسان خوی درندگی خود را به عمد پنهان کرده.

* دیوانه می خندد، نادان عصبانی می شود، دانا درک می کند و سخن نمی گوید.

* در نبرد با علم با اسلحه دانش به جنگ بروید.

* دلیل آنکه زیاد بر خرد انسان معلوم نمی شود اینست که عمر او کم است.

* از کودکی میل داشتم جوان باشم، از جوانی میل داشتم کودک باشم، در کهولت میل داشتم کودک و جوان می ماندم.

* وجود یک مرد حکیم در مردم مانند فرمانده شیر بر سپاه گوسفندان.

* در نبرد با دشمن برترین قدرت فنون جنگ است نه قدرت شمشیر و بازوان.

* مگسان مزاحمانی بی فایده بیش نیستند امام زنبوران عسل منفعتی برای انسان دارد. دوست پلید و دوست نیک بمانند این دو هستند اما از دوست نیک گزشی هم است ولی از دوست خردمند هیچ گزندی به انسان نمی رسد.

* دور فاصله ادب را ببین که ان انسان تف دهان را خود را در کوچه بر زمین ریخت و ان گربه که فضله اش را فوراً در خاک کرد.

* اگر شخصی را بگور کردید حتما سنگی نشان را بر روی ان نهید تا دیگران آگاه از روی ان گور رد نشوند.

* هم تولید کردن در انسان است هم نابود کردن.

* تا کودک هستید بازی کنید تا جوان هستید کار کنید تا پیر هستید زندگی کنید.

* یک دهقان می داند که چه هنگام باران می بارد اما نمی داند چه هنگام خشکسالی می شود.

* با یک قلاب یک ماهی می گیری اما با یک طور صدها ماهی صید میکنی.

* پشیمانی گناه نیست دانستن درست راه است همان راهی که قبل از تصمیم گیری در پی ان بودم.

* بین دروغ و راستی یک تار مو بسته است بین مرگ و زندگی یک تار مو بسته است.

* نه انقدر بخند که تو را دیوانه خطاب کنند و نه انقدر اندوهگین باش که عمر زوال تو را زنده زنده بگور کنند.

* اگر محبت و شفقتی دیدید تا می توانید خودتان را با ان گرم کنید چون هیچ اتشی تا اخر نمی سوزد.

* ای کاش مردم بجای خاطرات روزانه نوشتن تجربه های خود را می نوشتند و در اختیار دیگران می گذاشتند.

* در ایام کودکی که در مکتب ترتیل بودم استاد اجل به خاطر آنکه درسهای من بهتر شود به من کتک می زد اما ان کتک ها نه تنها معلوماتی برای من در ایندگان نی افزود هیچ بلکه چیزی جز درد طاقت فرسا و و خاطره تلخ در ایندگان برای من نداشت.

* تنبیه کودکان چیزی جز اثر سو در آینده برای او ندارد.

- * یک کودک را براحتی می توانیم فریب بدهیم چرا بجای تنبیه و کتک او را با نصیحت فریب ندهیم.
- * در گذار طی و عالم قطار نگاه تنها به پس و پیش کافی نیست بلکه به پیرامون و اطراف به بالا و پایین هم واجب است.
- * گرگ یوسف را نخورد اگر هم می خورد فوراً او را تف می کرد چون لعنت و نفرین پیامبران هفت پشت و دودمان انسان را می سوزاند چه برسد به گرگ حیوان.
- * به اندازه انسان های خوب و بد کتاب های مفید و بد است.
- * کتاب مشعل روشنایی بخش عقل من است چون منرا از پل خاموشی و تاریکی و گمراهی عبور می دهد.
- * من تنها کتاب نمی خوانم بلکه گنج دارم و انرا می خوانم هر صفحه ان به اندازه یک کیسه طلا ارزش دارد.
- * اگر کتاب می نویسید در آغاز ان یک مسئله را مطرح کنید در وسط، ان مسئله را شرح دهید و در پایان نتیجه انرا بنویسید.
- * معلمی پارسا بالاتر از زرتشت تاکنون نشناخته ام.
- * من تنها نمی مانم چون صدها دوست دارم من در قفسه صدها کتاب دارم.
- * در هر جا ذره ای خون باشد بوی ان مگس را بدنبال خود می کشد.
- * اگر بر اسبی نشستید و دیگر حسدان پیرامون شما از حسد جمع شده اند همان بهتر که پایین نیایید، لگام اسب را محکم گرفته و پا بر رکاب ان بتازید.
- * اگر به نزد شخصی بروم اول صورتم را بعد از ان جامعه ام را بعد جیبم را نگاه می کند.
- * مار را به این سسب پلید می گویند که هم نوع خود را می خورد و می بلعد در کتاب اسمانی مسلمان یاد شده که شخصی که غیبت می کند به مثابه کسی که که مردار گوشت برادر خود را می خورد و می بلعد.
- * خوشابحال ان سنگ مرده روی مزار که ادمیان بر روی ان اشک پر بهای خود را می ریزند.
- * ان که گرما را نچشیده طاقت سرما را نمی داند، انکه سرما را نچشیده طاقت گرما را نمی داند.
- * انسان را با ظاهر که نه با اخلاق دوست خود کنیم.
- * انسان را با زبان دوست نکنیم با اخلاق انان را متاثر کنیم.
- * بدبخت ترین یک ثروتمند اینست که ارزش و قیمت سلامتی خود را نداند.
- * غریزه محبت مادر به فرزند را در قاموس حیوان ببینید.
- * حیوان همیشه در حال خوردن است اما انسان بغیر از خوردن نگران عاقبت خود در اندیشه گذشته اکنون و آینده است.
- * به اندازه سنگ های ریز و درشت انسان های با صفات ریز و درشت است.
- * ادبیات گذشتگان را تنها مطالعه نکنیم بلکه از آموزه های ان بیاموزیم.
- * سعی کنید زیاد فکر کنید بشنوید زیاد ببینید اما کمتر سخن بگویید.
- * زندگی یک نوزاد و یک انسان مسن شبیه هم هستند چون هر دو نیاز به پرستاری و مراقبت دارند.

- * ماکیان آسمان و زمین را طی کرد اما ادمی فقط چاه گور خود را بر زمین گود کرد.
- * انسان از پرهایی که با آن بالشتی ساخت و زیر سرش نهاد هیچگاه بالهایی برای پرواز نساخت.
- * مدد تنها انسان به انسان معنا ندارد کمک و یاری به حیوان و طبیعت نیز از شاخه های مدد هستند .
- * کلمه خداحافظی را بایستی از بین برد چون معنایی جز جدایی ندارد.
- * یک پدر و مادر، چند فرزند دارند اما یک آموزگار چندین فرزند دارد که تعلیم آنها صدها برابر از تربیت و پدر و مادر آنان وظیفه اش مهم و خطیر است.
- * انچنان که در عالم و آسمان سکوت فرمانروایی می کند نگذاریم این اهریمن بیش از مرز خود به زبان ما چیره شود.
- * درخت اگر پا ندارد اگر زبان ندارد اگر عقل ندارد لیکن فایده که دارد.
- * ای بندگان غم کثیر آن عاشق را که مثل بلبل خموش و خفته بیکجا را جویا شوید.
- * خوشا به سعادت انسان که ساعت را ساخت تا گذر زمان را از نزدیک با چشم خود ببیند.
- * اگر در خیابان راه می روید بر حسب اتفاق این عناصر زندگی بخش را دید آنها را بردارید و به گوشه ای امن بگذارید برنج نان کاغذ یا قلم و اگر پول این عنصر فانی که نسل انسان را به تباهی و فساد کشانده را دیدید سعی کنید آنرا در همانجا از بین ببرید.
- * اگر با ریختن خون یک حیوان از رده شدید یک درخت بکارید.
- * آیا آن انسان های نخستین که سلاح را کشف کردند هرگز می دانستند آیندگان بعد از آنها آسمانها و زمین را فتح خواهند کرد.
- * در گذشته مسافران مسیر خود را در روز با طلوع و غروب افتاب و در شب از ستاره قطبی پیدا می کردند اما هیچ روز و هیچ شبی به درازا نمی انجامد.
- * نادان را تا به میل خود دانا نکنید.
- * نصیحت نه کودک می شناسد نه سالخورده، نه زن می شناسد و نه مرد، نه حاکم می شناسد و نه رعیت، نه ثروتمند می شناسد و نه مستمند، نه کوچک می شناسد و نه بزرگ.
- * باید به طریقی برویم که ما به پیشواز آینده برویم نه اینکه آینده به پیشواز ما بیاید.
- * از کتاب پیروی نکنید از آموزه های آن اندوخته کنید.
- * سخن دهان لق بمثابه پرنده ای است که از قفس می گریزد و بدام انداختن آن کار مشکلی.
- * اسب قدرتمند دروغ می تواند صد گاری راستی را بکشد اما صد گاری راستی هیچگاه نمی تواند اسب دروغ را بکشد.
- * هر هدف را که بدنبال او می روم مثل تیری که از چله حلال کمان پرتاب می شود را انقدر پی آن می روم تا به هدف خود اصابت کند.
- * از بداخل آمدن انسان دروغ بداخل چشمه آب گرم جلوگیری کنید چون با آمدن او چیزی جز مردابی گند و گاللود باقی نخواهد گذاشت.

- * بهترین تاجی که مردم روی سر خود می گذارند روی آن فراوان میکروبی نشسته است که براحتی در لجن کنار خیابان یافت می شود.
- * نه ثروت کثیر خوب است نه هر دوستی.
- * صبر و تحمل بهترین دارو برای درمان سخت ترین مشکلات.
- * دانایی شاید مادرزاد باشد اما علم فقط اموختنی است.
- * اگر از غم هایتان در فرار هستید به مخیل خود رجوع کنید و از خلاقیت مکتسب خود یک شی هنری بسازید و انرا به دیگران نشان دهید.
- * من جنگل و بوستان را دوست دارم مشروط به آنکه در آن باران بیارد- من بیابان و کویر را دوست دارم مشروط به آنکه افتاب داغ بر آن بتابد.
- * از بس که در گوش همه گفتند که انسان جایز الخطا است حال همه واجب الخطا شدند.
- * حیوان است که از دست انسان در گریز است نه انسان از حیوان.
- * حیوان ماشین نیست بلکه او جانداری زنده است که در تقلائی و تلاش برای زنده بودن خود دارد.
- * مسلمانان قبل از اسلام دختران را زنده بگور می کردند و خون حیوان قربانی را به تن و پی بت هایشان می مالیدند، حال بعد از اسلام در روز عید قربان دوباره حیوانات را برای خدای خود قربانی و به خاک و خون می کشانند.
- * در روز عید قربان، عید شکم پرستی و شکم چرانی حیوانات را به خاک و خون می کشند، گوشت آنها را سلاخی و به سیخ کشیده و از آنان استعمال و جشن می گیرند.
- * من نمی توانم خون حیوانی را بر زمین بریزم که خونش هم رنگ خون من است. من نمی توانم گوشت حیوانی را بجوم که که شبیه گوشت تن من است. من نمی توانم حیوانی را بکشم که مثل من حق زندگی باو داده شده.
- * تنها راه برای اثبات خداوند اینست که انسان یک مرده را دو بار زنده کند.
- * خرافات مانند لباس الوده به طاعون است که قبل از شیوع و سرایت آن به دیگران یا انرا سوزاند و یا در خاک دفن کرد.
- * مذهبی که تعصب در آن است امکان گسترش آن سخت است.
- * ان حکمت فلسفه حقیقی پر بار و غنی است که عاری از هرگونه نصب مذهبی و عقیده ای باشد.
- * اگر در عجز دادن پاسخ ماندی به مثل روی بیاور.
- * اینکه می گوئیم زن ناقص العقل است این حرف منرا بیاد مسلمانان پیش از اسلام می اندازد که دختران و زنان خود را زنده بگور می کردند. هر آنچه که در عقل زن است همانقدر طبیعت به انسان داده که باید انرا به غنیمت گرفت.
- * تبعیض بین دو جنس انسان من را به یاد عقیده خرافی عرب های جاهل قبل از اسلام می اندازد که دختران خود را زنده به گور می کردند.

- * کودکان را اگر در کودکی تعلیم ندهید در آینده یا دزد می شوند یا حمال.
- * کرکس لباس طاووس را بپوشد زیبا جلوه نمی کند.
- * سفالگر در کوزه شکسته اب می خورد.
- * پندار این را نزد خود بی اندیشید که اگر خداوند به ازای هر رکعت نماز چند سکه به بنده خود انعام می داد زمین عاری از هر کافری می ماند.
- * پول را قلبه ننهید و بر آن نماز طمع نگذارید.
- * تا می توانید به مرغ یک خروس نزدیک نشوید.
- * ثروت را اندوختید مهم نیست فقط آنرا به کسی دیگر نگوئید.
- * زن خود بین حتی به عکس افتاده خود در آئینه نیز حسودی می کند.
- * آن مادری که با دست گهواره کودک خود را تاب می دهد، آن مادری که با دست زندگی فرزند را حیات می دهد.
- * ممکن است شما مبتلا به دو غرور شوید غرور صحیح همان غروری است که حس اعتماد به نفس را در دل می پروراند و غروری منحط غروری است که حاصل آن چیزی جز کبر و ریا برای شما ندارد.
- * کمتر ازدواجی حاصل از یک عشق دوام داشته.
- * زمانی نقد درست است که بهمان اندازه از ویژگی های خوب هم باید صحبت بمیان آورد.
- * در ازدواج زن و مرد مانند دو کودک هستند که هر دو باید یکدیگر را بزرگ و تربیت کنند.
- * شیر طعمه را می کشد لاشه خور باقی مانده طعمه را می خورد و سگ استخوان های بجای مانده را بر می دارد.
- * انسانیت را خیلی وقت پیش کشتند فقط جسم ادمی ماند.
- * در آزادی که از اخلاق تهی است اساس آن آزادی دروغ است.
- * میان برده و ارباب فقط یک فرمان و یک اطاعت فاصله است.
- * نیش سخن کنایه را اگر نمی بینیم اما درد او را که می چشیم.
- * قبل از آنکه مذهبی ساخته شود دستان افق در مدد و کمک یکدیگر بود اما مذهب که آمد دستان مدد رو به عمود آسمان بالا رفت.
- * حقیقت را بایست از زبان کودکان و دیوانگان شنید.
- * حتی درنده به درنده نیزه رحم نخواهد کرد خواه چه انسان باشد خواه چه حیوان.
- * من لذت خواهم برد از شخصی که با من خوش رفتار است چون من در گذشته با او نیک رفتار بوده ام.
- * خطا حتی به پیامبران نیز رخنه کرد حال از یک انسان عادی چه انتظاری داشت.
- * یک سرباز در نبرد با دشمن در سه حالت شکست می خورد. اگر شمشیر او شکسته شود اگر فنون جنگی را نداشته باشد اگر فرمانده او پای بر فرار ببندد و بترسد.

- * یک انسان در نبرد زندگی در سه حالت شکست می خورد. اگر علم نداشته باشد که با مجهولات بجنگد. اگر عقل اراده و قدرت توانی از کف او برود و ترس جای انرا بگیرد. اگر اخلاق محبت و اخلاق نداشته باشد که طرز رفتار با دیگران را نداند.
- * ارزو کن که ارزوها برآورده شود
- * من هیچی دوستی بیگانه نداشتم تنها دوست درون خود من بود که با من سخن میگفت و هیچ خیانتی در قاموس او نبود.
- * یک ایرانی با روح پارسی بوده نه با روح یک عرب پاگرد.
- * ثروتمند باشید اما بمانند فقیران زندگی کنید.
- * یک نویسنده چربدست باید باید از کتاب که یک خمیر خام است نانی متبلور و داغ بیزد که خوانندگان اثر با اشتها بخوانند و مطالب اثر بچوند و ببلعند، یک کتاب خوب باید بو و حرارتی دلنشین و معطر داشت باش، د باید طمع و مزه داشته باشد که خواننده را جذب و سحر خود کند.
- * بر دروغان و نیرنگان دوازده ماه سال رمضان واجب است چون دروغان فقط در رمضان است که از دروغ خود می ترسند.
- * یک چوب را بی افکن بین سگ بدنبال ان می رود یا روباه؟ ببین سگ وفا دارد یا روباه؟ بین سگ عاقل است یا روباه؟

* تیمور لنگ کاز سر بساخت مناره و گلدسته وای زانکه سران خرقه و التیام یابند دسته دسته
امیر گورکانی که نداند عاقبت از قیام و محشری کشته گان ستون عمود فرو کنند زوقعد او تا اخر دسته

- * هر کسی می خواهد خودش بالاتر از دیگران باشد و همه چیز را برای خودش می خواهد، اگر همه چیز را برای خودمان بخواهیم مثل اینست که دعوی خدایی کردیم. واین همان حسادت است که نمی خواهیم دیگران بجایی برسند.
- * این گفته جاهلان است که می گویند : (گر زمانه با تو نسازد تو با زمانه بساز) یا (گر خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت باش). گر زمانه با تو نسازد تو با زمانه ستیز و مبارزه کن و انرا تابع و مختار خود قرار بده نه اینکه خود تابع زمانه باشیم.
- * برای من و شما مشخص است که تا وقتی ما غمخوار خودمان نباشیم کسی دیگر غمخواری من و شما را نمی کند.
- * برتری انسان بذات و نسب فامیل نیست. این تفاوت فامیل و طائفه بخاطر اینست که یکدیگر را بشناسید.
- * مرگی که در راه امید و ارمان باشد از هزاران زندگی رذل، والاتر و بالاتر است.

- * منظور از موعظه و اعلان تنها گفتن و شنیدن نیست. منظور آگاهی و عمل کردن به آن است. اول باید گوینده بگفته خودش عامل باشد چون گفته ای که شخصی به عامل نباشد بر شنونده اثری نمی بخشد و در دلها رسوخ نمی کند.
- * هر کسی از گناه خود خیر دارد. کیسه گناهان خود را با پای خود تا لبه گور نبرید و آنان را با خود بگور نکنید که چیزی جز ننگ و نفرت بر پشت شما باقی نمی ماند.
- * شما به پیامبران، انبیاء، حضرات و اشخاص بزرگ که هم سان هستند احترام می گذارید. چرا به یکدیگر که هم سان یکدیگر هستیم احترام نمی گذاریم.
- * یک کوک که متولد می شود تا زمانی که او رشد نکرده درک و باطن او کور است.
- * هیچ انسانی نمی تواند انسان دیگری را محکوم کند حتی گناهکار حقیقی باشد.
- * هیچ قاضی دادگر در آن جایگاهی نیست که چکش را بر میز بکوبد و یک انسان را محکوم کند.
- * اگر نتوانی از پل سعادت بگذری انرا برای دیگری خراب نکن.
- * یک حکومت مستبد را مانند کودک تعلیم و تربیت دهید و اگر فرمانبردار نگشت بر علیه او قیام کنید.
- * اشتباه قدیمی ها دلیلی بر خطای ما نیست.
- * خطرناک ترین و مهیب ترین واقعه یک انقلاب پس از انقلاب است که انقلابیون با در دست داشتن آزادی مختار با خوی حیوانی و درنگی در صدد انتقام هستند و دست به هر جنایتی می زنند.
- * نه تنوری که هیزم آن تر شده روشن می شود و نه تنوری که سر باشد نان می دهد.
- * شما با پرهای پرندگان نوشتید و خواندید. شما سر خود را بر روی پرهای پرندگان گذاشتید و خوابیدید. پس چرا مثل آنها پرواز نکنیم و آسمان و زمین را فتح نکنیم.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.